



(عمو سام) هم چاره ساز نیست!

خیزش توده ای و معامله عباس عبدی

بحرانهای اقتصادی و سیاسی کشور هر روز ابعاد وسیعی بخود می گیرد. با عمیقتر شدن شکاف طبقاتی تعارضات اجتماعی شکل جدی تری به خود می گیرد. کارگران با تشدید مبارزات صنفی وارد فاز جدید مبارزه سیاسی می شوند و برای تسلط بر ارگانهای اقتصادی و تأثیر در روند سازماندهی اقتصادی و سیاسی جامعه خود را سازماندهی می کنند. دانشجویان در مقابل تعرض رژیم به آزادیهای مدنی و طرح خصوصی سازی دانشگاه ها به تظاهرات خیابانی کشیده می شوند. با روی آوری اقشار زحمتکش به اعتراضات توده ای، جنبش توده ای برای انقلاب اجتماعی نوین خود را آماده می کند.

بخشی از روشنفکران و بوروکراتها و تکنوکراتها که هنوز خواستار اقدامات قانونی برای تغییر مهره های سیاسی رژیم در جهت بهبود وضعیت موجود هستند با دلگرمی به حمایت بخشی از باند حاکمیت دست به اقداماتی از قبیل انتشار نامه های شخصی و یا گروهی بصورت سرگشاده می زنند و رژیم را از انقلاب اجتماعی ترسانده، سران باندها را در چارچوب مردم سالاری دینی به همکاری دعوت میکنند تا با تعدیل بحران سیاسی مدتی به عمر رژیم سرمایه داری اسلامی اضافه نمایند. غافل از اینکه باندهای مافیائی رژیم متشکل از مشتی دلال و پورسانت گیر هستند و قدرت [بقیه در صفحه ۳](#)

هرچه قدر که آگاهی مردم بیشتر میشود و به هر اندازه که جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه در میان مردم ایران گسترش میابد و مقاومت و مبارزه در برابر سرکوبگری های این رژیم و عوامل استثمار گر و چپاولگر پشت سر آن افزایش میابد مردم بیش از پیش با حق و حقوق خود آشنا میشوند و پایه میدان مبارزه میگذارند، و به همان اندازه که توهمات و امیدواریهای کاذب به این جناح و آن جناح و به این شخصیت بزرگ کرده و آن اپوزیسیون زواردررفته، زدوده میشود و عوامفریبها در عرصه سیاسی رنگ میبازند. همانقدر ماهیت و رگ و ریشه طبقه حاکم ایران و مخالف خوان های هم سنخشان آشکارتر میشود، طبقه ای که بیست و اندی سال قبل، وقتی نتوانست در برابر موج عظیم انقلاب مردم، شاه و دم و دستگاه آنرا حفظ کند و برای حفظ منافع آزمندانه خود و جلوگیری از گسترش دامنه انقلاب با قدرت های خارجی ساخت و در استقرار یک رژیم عوامفریب و سرکوبگر مذهبی نقش اول را بازی کرد، و بیش از بیست و چهار سال با سرکوبگری و جنگ و کشتار و زندان و شکنجه به غارت و چپاول ادامه داد، و بارها و بارها با تعویض مهره های خود، به عوامفریبی دست زد تا مدت زمان دیگری به حیات خود ادامه دهد، اکنون که موج جنبش انقلاب انقلابی گسترش میابد و مردم دیگر حاضر نیستند بسادگی دل درگرو وعده و وعید های تازه داده و انتظار روز موعود را بکشند و دیگرگفگیر این طبقه ارتجاعی و دولت اش به ته دیگ خورده است، اینک به سر منشا خود باز میگردند! و تاریخ اگرچه با مصائب بیشمارا قضاوت خود را به کرسی مینشاند.

آقایان معمم و مکلا و صاحبان زر و زورنه اینکه همچون غریقی برای نجات خود به هر خار و خاشاکی چنگ میاندازند تا خود را نجات دهند بلکه اینک با ز گشته اند و التماس کنان دست به دامن قدرت هایی شده اند که میدانند با موافقت و کمک آنها به سر کار آمدند، سرکوب کردند بردند و خوردند.

بدون جلب موافقت آنها نیز بر سرکار نخواهند ماند. اکنون کار از اپوزیسیون بورژوازی و کاسه لیسان همین طبقات قدرت و ثروت در استانیوسی قدرت های بزرگ با امید رسیدن

این شماره:

صفحه ۴

استعفای خاتمی

صفحه ۵

مراسم سالگرد ۱۸ تیر

صفحه ۶

۱ خبر کارگری

صفحه ۶

اخبار دانشجویی

صفحه ۷

آن چه بر ما رفت...

صفحه ۹

مراسم یادمان سعید سلطانپوردربلین برگزار شد

صفحه آخر

درگذشت عاشیق عبدالعلی نوری

[بقیه در صفحه ۲](#)

کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدراتیو شورایی!

تاریخ جهان را ورق بزنید و حداقل به آنچه که در این یکصد سال گذشته در ایران و منطقه گذشته است نظر بیاندازید آنگاه خواهید دید که این نه اولین بار بوده و نه آخرین بار خواهد بود که قدرت های حاکم و جنبش های اجتماعی که پایگاهی بین توده های مردم ندارند و یا آنرا از دست میدهند برای رسیدن به قدرت و یا حفظ آن همواره به قدرت های خارجی متوسل شده و خواهند شد. این امر بویژه زمانی از پرده برون افتاده و آشکارتر میگردد که سطح آگاهی توده های مردم بالا میرود. جنبشهای اجتماعی از حالت عمومی خود خارج میشوند از خواسته های جزئی به خواسته های بزرگ از مبارزات صنفی به مبارزات سیاسی و اجتماعی و طبقاتی روی میاورند و قیام های دگرگون کننده فرامیرسند. اکنون باوجود اینکه جنبش انقلابی هنوز به استانه این دگرگونی بزرگ و قیام عمومی پای نگذاشته است، اما طلایه های آن از هم اکنون در افق جنبش انقلابی نمایان است. و همین افق و چشم انداز است که تضاد و تناقض را نه تنها در درون حاکمیت و قدرت های بزرگ دامن زده بلکه بساط اپوزیسیون بورژوازی رنگارنگ آنرا هم به هم زده است. در حالیکه تیغ سرکوب، زندان شکنجه همچنان در جولان است و دسته دسته از فعالین جنبش دستگیر و زندان و کشته میشوند، امید به قدرت های خارجی و توسل به آنها و بدیل سازی در برابر آنها، جناح های مختلف حاکمیت و سازمانها و احزاب بورژوازی منتظر قدرت را به جان هم انداخته است. از دارودسته خامنه ای هاشمی رفسنجانی گرفته تا خاتمی و باصلاح جنبش اصلاحات وی و از ملی مذهبی ها گرفته تا جوانان سرخورده از اصلاحات و تاریخ مصرف گذشته و از مجاهد گرفته تا سلطنت طلبان و روشنفکران غیر منورالفکر و سرگردان به دنبال باور ها و ایدئولوژیهای مختلف گرفته تا استادان دانشگاه ها و نظریه پردازان نو اندیش دینی، همه و همه اگر چه هنوز بامید فریب بخشی از مردم طوق انتری را بر گردن واژه های مردم سالاری و دموکراسی دروغین انداخته و در سر هرکوجه و بازار میگردانند و میچرخانند، معذا از آفتاب روز هم روشنتر است که همه اینها در پی این و امید وار باین هستند تا روزی مورد عنایت و حمایت حد اقل نه همه لاقط جناح هایی از قدرت های خارجی قرار گیرند. غافل ازاینکه بعد از بیست و چهار سال سرکوب و دروغ و نیرنگ دیگر «عمو سام» هم اگر بخواهد قادر نیست از از بالای سر خواست ها و اهداف رادیکال

((عمو سام)) هم...

به قدرت گذشته بلکه جناح های درونی رژیم رهبران اصلی حاکمیت برای گرفتن نمره قبولی و هر کدام به فراخور حال خود به این جناح و آن جناح از قدرتهای خارجی متوسل میشوند. گروه هاشمی رفسنجانی رضایی جناح وزارت دفاع را برمیگزینند، خاتمی و دیگران به وزارت خارجه آمریکا دخیل میندند هر کدام هم انبوهی از طبقه سرمایه دار و چپاولگران داخلی را که احساس میکنند موقعیت شان سخت به خطر افتاده است، به دنبال خود میکشند. بیاد بیاوریم روزهایی را که شاه صدای انقلاب را شنید و این صدا را تنها زمانی شنید و به التماس افتاد که احساس کرد ارباب بزرگ قصد تغییراتی را در سر میپروراند و به هردری زد تانسان دهد کماکان شایسته داروغه گری منافع طبقه حاکم و هم قطاران بین لمللی آن است. اما موج در موج انقلاب این حماقت نوکر مابانه وی را به مزحکه ای بی ارزش و مسخره تبدیل کرد.

اکنون که بعد از یک ربع قرن بهمیت تاریخی و ننگ و جنایتی که این تاریخ همچون مهری زوده نشدنی بر پیشانی اربابان و نوکران این جماعت کوبیده و آنها را در داخل و خارج رسوای عام و خاص کرده است و علیرغم ضعف و فتور حاکم بر جنبش توده های زحمتکش مردم بویژه در عرصه سازمانی، اما امواج اعتراضات و اعتصابات و تظاهرات زمینه دگرگونی های رشه ای را فراهم کرده و هر موجی که فروکش میکند اما دوباره برمیخیزد و هر بار قدرتمند تر از پیش صلا در میدهد که اینک به پا خواسته ایم تا ریشه ظلم و ستم را برکنیم، و اکنون که دیگر کار عوامفریبی و توسل به وعده و وعید برای حاکمان و اپوزیسیونهای داخلی و خارج از کشوری همسان و هم سنخ شان رنگ میبازد و دیگر زمینه ای درمیان مردم نمیاند، توسل به قدرت های خارجی و در راس آنها «عمو سام» معروف که حالا دیگر هفت تیر به کمر درست در کنارشان اردوزده و به هیچ ابوالبشری هم حساب پس نمیدهد، به مد روز تبدیل شده است. با التماس به درپوزگی میافتند، میان همدیگر کورس میگذارند و هر آنچه که در چنته دارند تقدیم میکنند و به هرآنچه از رزالت و خود فروشی و مردم فروشی است دست میبازند، دم میچنانند، التماس میکنند، همدیگر را گاز میگیرند، پای هم را له میکنند.. تا بلکه مورد لطف و مرحمت ارباب قرار گیرند. گویی که تاریخ تکرار میشود.

بقیه از صفحه قبل

است، شعاری که برای انحراف مبارزات دانشجویی صورت گرفت و از حمایت رسانه های بین المللی و تشکلهای منتسب به اصلاح طلبان برخوردار گردید. با این حال نتوانست مبارزات دانشجویان و روشنفکران مترقی را تحت تأثیر خود قرار دهد. بطوریکه عبدی در نامه اشاره می کند و می نویسد: "خروج سریع و وسیع از حاکمیت و قدرت که این امر دو مؤلفه اول را تضعیف میکند ولی می تواند موجب روی کار آمدن قدرتی یک دست با کارآمدی کافی شود تا به مرور زمان به جبران دو مؤلفه قبلی کمک کند، ولی از آنجا که این گزینه مشکلاتی را پیش روی جامعه می گذارد، انجام آن ممکن است تمام توان حکومت را صرف خود کند و درنهایت هم به فروپاشی منجر شود، ولی گزینه سوم، کناره گیری آرام، محدود و کم دامنه از قدرت و سیاست است که ضرر کمی به دو مؤلفه اول یعنی مشروعیت داخلی و مقبولیت جهانی وارد می کند ولی امکان بازسازی حکومتی کار آمد را به لحاظ نظری فراهم می کند که به حل دو مشکل اساسی مذکور اقدام کند و من حاضریم در جهت تحقق گزینه سوم اقدام کنم، و از خود شروع می کنم، که با حذف و استغفای از فعالیتهای مطبوعاتی و سیاسی آغاز می شود و دیگران را هم به این مسیر و طی آن ترغیب می کنم."

عبدی با طرح شکنجه بدنبال راه حل منطقی برای توجیه عملکرد خود در بین همقطارانش است. یادآور می شود که سعید مرتضوی دادستان کل او را تهدید به دستگیری اعضا خانواده و تشکیل دادگاه غیر علنی کرده و برای وی پرونده سازی کرده است. رژیم جمهوری اسلامی از زمان استقرار خود در راه خدا به پرونده سازی دست زده و هزاران نفر را به جوخه های اعدام یا مجبور به اقرار ناکرده ها از طریق شوهای تلویزیون نمود. با انفجار دفتر ریاست جمهوری و حزب جمهوری اسلامی که خامنه ای در آخرین لحظه های قبل از انفجار از جلسه بیرون آورده شد و با این وجود جو جامعه را ملتهب و مظلوم نمائی ریاکارانه هزاران نفر را شکنجه و قتل و عام کرد.

او با اشاره به تخریب شخصیت می نویسد: "یک شب دیگر آمد و لطف کرد و تماس تلفنی با مایل خودش میان من و مادرم و دخترم برقرار کرد که انصافاً نوعی آبروریزی بود به طوری که بازجوها نیز ناراحت شدند و فردا شب مثل انسان اجازه دادند با همسرم تلفنی صحبت کنم و قدری از ناراحتی ایجاد شده از برخورد مرتضوی را کم کردند که در اینجا از ذکر جزئیات رفتاری وی معذورم."

با این حال عبدی با سکوت در مقابل عملکرد مرتضوی و تعریف و تمجید از بازجوها، محسنی اژه ای، اکبری، حسن، حسین، مهدوی و تقدیر از رفتار بازجویان و زندان در صدد است فشارهای احتمالی را خنثا کند و با تهدید به انتشار نامه ای دیگر در انتظار عکس العمل دوستان خود در حاکمیت بماند. در عکس العمل به شکنجه ها می گوید: "شکنجه های

بقیه در صفحه بعد

جنبش انقلابی که هر روز عمیق تر و شفاف تر میشود ببرد ، و نه تنها روند روبه گسترش این جنب میرود تا هرگونه سازش با کل و یا بخشی از این رژیم را منتفی ساخته بلکه درعین حال دست اپوزیسیون های آمریکا پسند این رژیم را هم در پوست گردو گذاشته است . روند روبه شتاب خواسته مردم و گسترش مبارزه برای به کرسی نشاندن این خواست ها تنها از طریق یک دگرگونی انقلابی قابل تحقق است دگرگونی که طبقه حاکم را به زیر بکشد و توده های رنج و کار، خود حاکم برسرنوشت خویش بشوند و همین تضاد است که کشور های معظم سرمایه داری و در راس آنها آمریکا را که در پی تحکیم موقعیت خود تداوم استثمار کارگران و رنجبران و غارت منابع کشور هستند نیز به حول و هراس انداخته و آنها را از یک تصمیم گیری متحد و منسجم باز میدارد .

بقیه از صفحه اول

خیزش توده ای و...

اجتماعی و اقتصادی خود را در راستای قدرت مطلق سیاسی می بینند. عباس عبدی رهبر پیشین دانشجویان پیرو خط امام و یکی از تئورسین های اطلاعاتی و قضائی رژیم و همچنین یکی از تئورسین ها و رهبران باند دوم خردادی در نامه مورخه ۲۴_۳_۸۲ بوضوح از معامله برای واگذاری کل میدان به رقیب اشاره دارد. هر چند باندهای مافیائی بارها توانستند به توافق برسند ولی این بار اعتراضات توده ای توپ را در میدان رژیم ننگه داشته است و باند دوم خردادی مجبور است میدان را خالی کند. عبدی می نویسد:

" بنده طرح خود را توضیح دادم و حتا همان شب مکتوب کردم و پس از چند روز هم آقایان موافقت خود را با کلیات طرح اعلام کردند و در نتیجه آن را در چهار صفحه تدوین و پس از حک و اصلاح در اختیار آقایان قرار گرفت و مبنای توافق ما شد. . . . " آقایان بازجوها گفتند اگر طرح به گونه ای قابل قبول باشد، طبعاً زندان بودن شما هیچ نفعی برای حکومت ندارد و ما از طرح استقبال می کنیم که آنرا بشنویم و با مسئولان خود مطرح نماییم. در همان موقع و در دفعات بعد هم بارها پرسیدم که من باکی طرف هستم، با شما یا با نظام؟ که بالاتفاق عنوان می کردند تو در این طرح یا هر توافقی با نظام طرف هستی و ما بدون نمایندگی و یا مشورت با مقامات عالیله وارد این مذاکرات و توافقات نمی شویم. " عبدی به ظاهر می خواهد خود را از رژیم جدا نشان دهد و در نامه تمامی ناملیمات را به گردن سعید مرتضوی دادستان کل انداخته و با تعریف از وزارت اطلاعات، مهربان و منطقی خواندن مجموعه دستگاه قضائی معامله را سرپا نگه دارد. عبدی با طرح نظرانی در مورد حال و آینده رژیم و گذار از بحران پیشنهاداتی میدهد که از جمله طرح خروج از حاکمیت

بود با تیتري درشت از ((استعفاي محمد خاتمي)) خبر داده بود تیتري خبر کنجکاو برانگیز خواننده را به متن اصلی خبر میکشد ، اما در متن اصلی خبر جمله و حتی کلمه ای از استعفاي خاتمي يافت نمیشود بالاخره برای اینکه کنجکاو خواننده فروکش کند ، بازتاب جمله ای از سخنان خاتمي مبنی بر این که ، ((هر وقت مردم ما را نخواهد کنار میرویم)) را نقل کرده تا بزعم خودش ، تیتري را مستند کند . بگذریم از این سید خندان اما دروغ گو و عوامفریب که گویا کسی نیست از او بپرسد که بعد از انتخابات شوراها ، با این همه تظاهرات خیابانی و اعتصابات کارگری در رژیم چهل و سرکوب شما مردم به چه نحو دیگری باید بگویند شما را نمیخواهیم ، تا راه تان را کشیده و بروید دنبال کارتان ؟ اما از این عوامفریبی روشن خاتمي که بگذریم تیتري زدن دروغین استعفاي خاتمي توسط جناح هاشمي رفسنجانی چیزی نیست جز بازتاب رقابت این گرگ های درنده برای پیش قدمی در مذاکره و ساخت و پاخت احتمالی با آمریکا و کنار زدن رقیب و نشان دادن اینکه با با طرف دارد استعفا میدهد ، و قدرت واقعی دست ماست و مذاکره با ما باید صورت گیرد و درعین حال یک نوع دهن کجی به حرفهای باز هم بی ربط وزیر خارجه آمریکاست که در هفته گذشته در سخنرانی خود به نحوی از خاتمي و جناح وی حمایت کرده بود .

جسمی فقط اسمش خیلی بد در رفته، ولی واقعیت، آن قابل تحمل تر از این نوع شکنجه هاست."

عبدی خوب می داند که شکنجه جسمی و روانی چیست و رابطه آنها چگونه است و چرا مکمل یکدیگرند. عبدی ممکن است به گفته خود جسماء آسبی به او نرسانده باشند ولی آقای عبدی خوب می داند پریدن ناخنها و انگشتان پا زیر ضربات شلاق و همچنین لمس شدن دستها و . . چه تأثیراتی دارد و بودند بسیاری از کمونیست ها و مبارزین که در زیر شکنجه های جسمی شهید شدند. آقای عبدی شکنجه جسمی و روانی در هر حال چه در تئوری و عملی ضد بشری و جنایتکارانه است. زراندوزی باندهای مافیائی از طریق شکنجه، ترور و پروندسازی با استفاده از دستگاه های امنیتی، قضائی و نظامی شروع شد و با سرمایه گذاری و خرید سهام در کشورهای خارجی تداوم پیدا کرد. دریافت پورسانت و شرکت در غارت منابع ملی بدنبال خود روابط پنهانی باندهای رژیم با سازمانهای امنیتی و اطلاعاتی کشورهای امپریالیستی وارد فاز رقابتی شد. فاز جدید موجب تنش بین باندهای رژیم گردید و برخی از روابط و قراردادهای پنهانی افشا گردید. عبدی با اشاره به اسناد و مدارک در پرونده خود می نویسد:

"یک شب دیگری آقای مرتضوی تنها و بدون حضور هیچ کس دیگر آمد، شنیدن بعدها فهمیدم که خلاف توافق با بازجویان عمل کرده چون آنان از این مطلب یکه خوردند که چرا تنها و بدون حضور آنها آمده است. ولی بعد روشن شد که چرا چنین کرده است، زیرا آن شب در باره یک سند صحبت کرد که فعلاً به دلایل مصالح کلی نظام از ذکر جزئیات آن پرهیز می کنم."

داور

استعفاي خاتمي

سایت بازتاب ، بازتاب دهنده نظرات گروهی در حاکمیت است که در راس آن هاشمی رفسنجانی و محسن رضایی قرار دارند ، این گروه بخش مهمی از منبع مالی ، و زمینها و کارخانجات کشور را در اختیار دارند و علاوه برآن بخش مهمی از بودجه دولتی را از طریق اختصاص آن به بنیادها و موسسات مختلف به جیب های خود سرازیر میکنند و همینطور بخش زیادی از سپاه پاسداران ارتش نیروهای انتظامی و دادگاه ها و زندانهای رسمی و غیر رسمی را تحت اختیار خود دارند .

این سایت بازتاب اخیراً بعد از سخنرانی خاتمي در کرج که طبق معمول با کلی حرف های بی سر و ته و عوامفریبانه توأم



انقلابی، آزادیخواهانه و برابری طلبانه، بار دیگر نشان داد که دیگر سیاست سرکوب، اختناق و فریب کارایی خود را از دست داده است و اگر مردم اراده کنند و برخیزند، هیچ قدرتی را یاری مقابله با آن نیست.

گزارشی از ملاقات با نماینده واحد بین المللی اتحادیه سراسری

کارگران سوئد - ال او

در ادامه کمپین دفاع از مبارزات کارگران بهشهر، که بصورت یک آکسیون ایستاده، بمدت یک هفته در مقابل دفتر اتحادیه کارگران سوئد برگزار شد، روز پنج شنبه ۲۶ ماه ژوئن، هیئتی مرکب از فرهاد شعبانی، داود شمس و شاهین جهانی، به نمایندگی از طرف "هیئت هماهنگی نشست نیروهای چپ و کمونیست - استکهلم"، خانم "کیت تاپیر" از واحد انترناسیونالیستی این اتحادیه را ملاقات کردند.

بقیه در صفحه ۹



جهت دریافت کار کمونیستی، ریگای گه ل، ارگان تئوریک (به پیش)، برنامه های صوتی و تازه ترین خبرها به آدرس اینترنتی ما مراجعه کنید.
آدرس اینترنتی ما :

<http://www.fedayi.org/>

جهان کمونیستی شماره ۴۲

برغم حکومت نظامی اعلام نشده رژیم، مراسم سالگرد ۱۸ تیر در

ایران و سراسرجهان با موفقیت برگزارشد!

برغم دستگیری هزاران نفر از مردم و فعالین جنبش دانشجویی و با وجود برقراری یک حکومت نظامی اعلان نشده در ۱۸ تیرماه، ازحوالی ظهر امروز جوانان و دانشجویان و مردم آزاده تهران، شیراز، اصفهان، کرمان، مشهد، تبریز و سایر شهرها به خیابانها آمدند و درحالیکه ده ها هزار پلیس، لباس شخصی، حزب الله، بسیج و سپاه خیابانها را قرق کرده بودند، ابتدا به صورت آرام در خیابانها به حرکت در آمدند و سپس با انتخاب محل و زمان مناسب به دادن شعار و کف زدن و سوت کشیدن پرداختند. تظاهرات در مشهد شیراز و تهران به درگیری و زد و خورد بین تظاهرکنندگان و نیروهای سرکوبگر انجامید. گزارش مستقیم رفقای ما حاکی است که در تهران علاوه بر درگیری شدید و تیراندازی در میدان انقلاب و حوالی دانشگاه، در تهران پارس، نارمک و نازی آباد نیز تظاهرات به درگیری منجر شده است و بر مبنای گزارش دیگری در حوالی ساعت شش بعد از ظهر در خیابان جمهوری پائین تراز میدان ونک مردم به دو بانگ حمله کرده و خساراتی به آنها وارد کرده اند. تظاهرات و تجمعات مردمی همچنان ادامه دارد. تا کنون صد ها نفر زخمی و دستگیر شده اند، که از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست. رژیم دستور داده است تا از انتشار هرگونه خبری جلوگیری به عمل بیاید در عین حال ارتباطات تلفنی با خارج کشور نیز دچار اختلال شده و اغلب سایت های خبری و سایت سازمانهای سیاسی بسته شده است. اما برغم اعمال سانسور شدید تلاش نیروهای انقلابی، جوانان و دانشجویان پیشرو در انتقال اخبار و وقایع امروز تا حدودی سدانسور و اختناق حاکم را درهم شکسته است.

تظاهرات و تجمعات تا این لحظه ساعت ۲ بعد از نصف شب همچنان ادامه دارد.

علاوه بر ایران، امروز در اغلب شهرهای بزرگ جهان تظاهرات و تجمعات بزرگی از سوی رفقای سازمان ما و سایر ایرانیان مبارز تبعیدی و مقیم خارج از کشور در حمایت از جنبش دانشجویی و مردمی ترتیب داده شد.

در شرایطی که هزاران نفر از فعالین و رهبران عملی جنبش دستگیر و زندانی شده اند، و در شرایطی که رژیم تمامی نیروهای انتظامی و امنیتی خود را بسیج کرده و سانسور کاملی بر مطبوعات و رسانه های گروهی حاکم نموده است تا بزعیم خود از برگزاری مراسم ۱۸ تیر و تجمعات و تظاهرات جلوگیری کند، برگزاری یادمان ۱۸ تیر، تظاهرات و تجمعات اعتراضی گسترده در داخل و خارج کشور و طرح شعارها و خواسته های رادیکال و

۱ اخبار کارگری

آری، باردیگر مراهای مخوف استبداد مطلقه قربانیان دیگری گرفت تا شاید امراض لا علاج ضحاک صفتان معاصر را تسکینی باشد.

امروز فعالین جنبش دانشجویی یکی پس از دیگری بدست انصار جهالت و شعبان بی مخهای مقدس ماب ر بوده میشوند و به سیاه چال های ا وین فرستاده می شوند تا دیگر هیچ کس به خود اجازه تعرض به استان قدرت مطلقه ندهد، سیاه چاله های اوین امروز همچون دهه پنجاه به خود می بالد چراکه میزبان بهترین جوانها و مستعد ترین دانشجویان است، جوانان و دانشجویانی که احساس مسوولیت اجتماعی آنان را بر آن داشته است تا از جوانی و امال و ارزوهایشان بگذرند و در راه استقرار آزادی و مردم سالاری پنجه در پنجه ضحاکان مار بدوش اندازند که خود را نماینده خدا و نایب پیامبر می دانند، نبرد امروز دانشجویان ایران مبارزه ایست برای زدودن همه باورها و خرافه های دروغینی که مستبدین امروز پایه های استبدادشان را بر آنها مستقر ساخته اند (این تحصن پس از سه روز خاتمه یافت)

۱۵ یولی

بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاههای اصفهان و علوم پزشکی در ارتباط با سخنان هاشمی رفسنجانی که در قسمتهایی از آن چنین آمده است: اگرچه دیرزمانی است که ملت ایران و خصوصا دانشجویان مبارز و آزادیخواه به شنیدن دشنام ها و ناسزا گوئیها و رجز خوانیها که هر هفته در قالب خطبه های نماز جمعه نثار ایشان میگردد، عادتی دیرینه دارند اما هر از چند گاهی وقاحت این اهانت ها به جایی می رسد که شرافت انسانی چاره ای جز شکستن سکوت و بر آوردن فریاد پیش روی انسان نمی نهد . . .

قصد پاسخگویی به هاشمی رفسنجانی را نداریم چون ایشان پاسخ خود را در انتخابات مجلس ششم به شیوه ای تاریخی از ملت ایران دریافت کرده اند . . .

۱- "اگرچه جای تعجب نیست که مطرود این ملت هراقدامی از سوی آنان را نا بخردانه تلقی کند اما معتقدیم به جای تاسف برای ملت باید به حال کسانی تاسف خورد که همچنان به ۲- ایشان با لحنی تهدید آمیز اعلام کرده اند که " ما هنوز نیروهای بسیج ، ارتش و سپاه را وارد صحنه نکرده ایم و در صورت تشدید بحران ، این نیروها از عهده کنترل اوضاع برخوردارند ، این سخنان از زبان شخصی جاری میشود که

اعتصاب کارگران سیمان شمال و جلوگیری از فروش تولیدات کارخانه با اعلام اسامی کارگران کارخانه سیمان شمال از سوی سازمان تامین اجتماعی که شامل طرح بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور شده بود، نام گروهی از کارگران این کارخانه حذف شده بود، درواکنش به این تبعیض کارگران روز ۲۴ و ۲۵ تیرماه وارد کارخانه شدند اما بر سر کار خود حاضر نشده و از بارگیری و فروش محصولات کارخانه جلوگیری به عمل آوردند، از آنجایی که فضای کارخانه آلوده بوده و همه کسانی که در فضای باز فعالیت می کنند در معرض تنفس گرد و غبار حاصله از تولید قرار دارند می بایست این طرح شامل همه کارکنان این کارخانه قرار بگیرد، این اعتصاب در ۲۵ تیر با قول مساعد مسوولین خاتمه یافت.

۱۳ یولی

با دستور وزیر نفت ، انتشار هرگونه خبرنامه، نشریه و مجله داخلی توسط شرکتهای تحت پوشش وزارت نفت به جز چهار شرکت اصلی ممنوع شد.

۱۴ یولی

در حدود ۷۰ نفر از کارگران شرکت قیصرکوه واقع در استان گیلان، مطالبات قانونی خود از جمله حقوق، عیدی ، پاداش و بن کارگری را یکسال است که دریافت نکرده اند.

۱۶ یولی

تعطیل شدن شرکت پاساب

این شرکت ۶۲ کارگر رسمی در کارخانه و ۱۲ پرسنل رسمی در دفتر مرکزی دارد که دارای سوابق کاری ۲۰ تا ۲۷ سال هستند، کلیه دستگاههای این کارخانه تا زمان تعطیلی آن فعال بوده است ، مدیر عامل جدید در تاریخ ۸ تیرماه اعلام زبان دهی نمود و سپس شرکت را تعطیل کرد.

اخبار دانشجویی

۱۱ یولی

بیانیه دانشجویان دانشگاههای شیراز و علوم پزشکی، فعالین جنبش دانشجویی یکی پس از دیگری بدست انصار جهالت ر بوده می شو ند، از ۲۱ تیر بدست به اعتصاب غذا خوا هیم زد

در قسمتی از این بیانیه آمده است

دخالت مستقیم امریکا را در ایران بوجود آورد که دقیقا رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه برای توسل به نیروی نظامی بیشتر در صورت تداوم مبارزات به آن اشاره کرده بود. خامنه ای و رفسنجانی خوب می دانند نیرویی که در مقابل آنها ایستاده است، همان نیرویی است که در مقابل حملات احتمالی امریکایی خواهد ایستاد. (همان طور که نیروهای طرفدار صدام در بغداد یک شبه ناپدید شدند) به گفته یک شاهد عینی که در خرداد و ۱۸ تیر در ایران بوده است اکثر کسانی که با رژیم درگیر بوده اند نوجوانان زیر ۱۸ سال بودند و علاوه بر آن هر کسی که به دلایل سیاسی یا اجتماعی با رژیم درگیر میشود مورد حمایت وسیع مردمی به اشکال مختلف قرار می گرفتند. هرچند که رژیم به بیان رفسنجانی از همه تجهیزات نظامی خود استفاده نکرد اما از حد اکثر نیروهای انسانی حاکمیت به اشکال مختلف و بسیار وحشیانه استفاده نمود که در فرصتی دیگر به صحنهای این شاهد عینی در این زمینه خواهیم پرداخت. جنبش کارگری به دلیل سرکوب و مشکلات مالی و حقوق عقب افتاده و مشکلات تشکیلاتی در حال حاضر قادر نیست که به شکل سراسری وارد عرصه مبارزه شود ولی اگر مردم داخل

و خارج کشور بتوانند کمیته های مالی ایجاد کنند تا در صورت اعتصاب کارگران بتوانند آنان را حمایت مالی کنند و علاوه بر آن اگر دانشجویان و دانش آموزان بتوانند با کارگران ارتباط برقرار کنند و خواستهای آنان را بیان کنند آن موقع خواهند توانست رژیم را مشترکا همراه با اعتصابات طبقه کارگر به شکست بکشانند.

نظام صابری

آن چه بر ما رفت، بر شما روا مباد!

سرم را به سوی ماه بالا برده ام، چشمانم ماه را می بلعند، می گویند تصویر "او" را اگر قلبت پاک باشد می بینی، به طرز کودکانه ای تمام محبتم را بسیج می کنم تا برجستگی های ماه را به ریش او تشبیه کنم. تا من هم بتوانم هم رنگ جماعت به دیگران بگویم: «دیدم» هر چند که چشمان جستجوگر و کنجگاو نوجوانیم به واقع "ندیده" بودند.

چند سال بعد در غروبی گرفته و غمگین، باز سرم را رو به آسمان می کنم. از مرد قاچاقچی می پرسم: «ایران در کدام سو قرار گرفته؟» و او با ریش کثیف و دندان های زردش لبخندی کزیده بر چهره می نشاند و با دستان زمختش آسمان

بقیه در صفحه بعد

خود از نزدیک در جریان تحولات سال ۵۷ قرار داشته واز اشتباه فاحش رژیم پهلوی در به صحنه آوردن ارتش بر علیه نیروهای مردمی آگاه است، جای بسی شگفتی است که ایشان به این سرعت واقعیتهای تاریخی را به فراموشی سپرده و به جای عبرت آموزی از گذشتگان، در مواجهه با خواستهای قانونی ملت ایران دقیقا همان روشی را تجویز می کنند که به سقوط نظام پادشاهی انجامید . . .

بیانیه انجمن اسلامی علوم پایه دانشگاه شیراز در قسمتی از آن چنین آمده است :

باردیگر دست ایادی تجز و استبداد از آستین عواملی که عنوان لباس شخصی ها را به خود اختصاص داده اند بیرون آمد و جوانان برومند و آزادیخواه این دیار فرهنگی و ادبی را دیگر به این زندگی مملو از جنایت و وحشت خویش ادامه دهد تا اینکه بیش از پیش با استفاده از صداقت و حجب حیای ذاتی مردم در پشت واژه دین و دینداری به چپاول و غارت منابع ملی آنان استمرار بخشد . . . با به تصویر کشیدن اعترافات ساختگی در تلویزیون آقای لاریجانی وانمود می کنند که این دانشجویان فریب خوردگان اجانب هستند و از آن طرف مرزها آمده اند ، دقیقا همان نسخه ای که شاه برای آزادیخواهان می پیچید و به طور مکرر در مصاحبه با خبرنگاران داخلی و خارجی به ذکر آن می پرداخت . . .

با توجه به اخبار کارگری و دانشجویی این شماره، اشاره به چند نکته ضروری است:

اساسا حرکات و پتانسیل جنبش دانشجویی فقط به انجمنهای اسلامی و دفتر تحکیم وحدت ختم نمیشود اما از آنجائی که آنان دارای تشکل سراسری و قانونی می باشند در نتیجه میتوانند نظرات خود را به عنوان یک تشکل رسمی منعکس کنند، این فعالیتهای علنی حتی اگر باعث فشارهایی از طرف حاکمیت بر بخشی از آنان شود و یا مانند ۴ سال پیش دوباره دست به اخراج و سرکوب وسیع دانشجویان مستقل بزند، باز به معنای از بین رفتن و خاموش شدن فعالیتهای کل جنبش دانشجویی نیست، جنبش دانشجویی مستقل از حاکمیت همچنان فعال است و به همین خاطر دوباره زمزمه های انقلاب فرهنگی از درون حاکمیت جمهوری اسلامی شنیده می شود اما رژیم قادر نخواهد بود یک میلیون و ششصد هزار نفر جوان طرفدار خامنه ای را به دانشگاه بفرستد. امپریالیسم امریکا قصد دارد با سرکوب خشن و نظامی جنبش داخلی، زمینه های ناامیدی و رضایت برای

بقیه از صفحه قبل

مستضعفان است و اهل خرد و ضد استعمار! پس چه باک
عمامه بر سر دارد و مقنعه‌ای هم بر سر زن‌ها می‌کند. مهم
امر انقلاب است و بس!

و چنین بود که نسلی گورکنی خود را تدارک دید. بعدها از
راه دور باز فریاد کردیم که "به رفسنجانی اعتماد نکنید." این
تجربه دارد تکرار می‌شود، دریغ که بسیاری از بریدگان در
"تبعید" نیز سر تا زانو خم کرده، مفتخر به دریافت
پاسپورت‌های "جمهوری" شدند و با توجهات گوناگون وارد
"خاک" ایران شدند و "سالم" بازگشتند تا به ما ثابت کنند و
زخم زبان زنند که جمهوری اسلامی دیگر آن چیزی که بود،
نیست!

خاتمی آمد! آن روزها در هر جمعی حرف‌هایمان را که حاصل
تجربیات ۱۸ سال مبارزه بود بازگفتیم. اعلامیه‌هایی "تکراری"
با واژه‌هایی که هیچکس دیگر حوصله شنیدنشان را هم
نداشت. گفتیم که "خاتمی راه حل نجات و تداوم حکومت
جمهوری اسلامی" است. اما وقتی نخواهی بشنوی، هیچ صدایی
به درونت راه نمی‌یابد. و چنین شد که هزاران جوان، نسل
بعد از من، باز به خیابان‌ها آمدند، سر به آسمان بردند و
تمام محبت خود را بسیج کردند، تا لبخند "او" را باور کنند و
"گفتگوی تمدن‌هایش" را و "جامعه مدنی" اش را "ببینند".
اما بوی خون و گاز اشک‌آور با صدای گلوله و فریاد حیوانی
انصار حزب‌الله و نیروهای انتظامی در هم آمیخته بود. آن‌ها
اما سال‌ها تجربه سرکوب را نیز با خود داشتند. پس سرکوب
این جوانان سازمان نیافته و بخشاً متوهم به "دولت اصلاحات"
برایشان کاری بود سهل و آسان!

امروز اما "زمان به دگر است!" "دولت اصلاحات" نشان
محبوبیتش را مدت‌هاست بر سینه ندارد. جوانان سال‌های
آغازین دور دوم اعتراضات، اکنون ۶ سال تجربه با خود
دارند. توهم‌ها روز به روز رنگ باخته است. آگاهی بر ضرورت
سرنگونی مجموعه گردانندگان این نظام بیش از پیش به باور
عمومی بدل شده است.

با این حال ناروشنی، عدم سازمان‌یافتگی و نبود استراتژی و
آلترناتیو معین بر سختی کار افزوده است. سلطنت‌طلبان "خیر!" که همیشه منتظر تعیین تاریخ "سفر بزرگ"
بازگشت به "وطن" بوده‌اند، به وجد آمده‌اند. مگر نه آن که سرزمین ثروتمند ما را "پدري" و "تاج‌سری" لازم
است و صاحبی؟

چه کسی بهتر از آنانی که ۲۵ سال این امر خطیر را بر عهده

بقیه در صفحه بعد

پشت سرم را نشانم می‌دهد. سر می‌گردانم. گلویم را بغض
می‌فشارد. همه چیز پشت سر است. همه دل‌بستگی‌ها، مردم،
رنج‌ها و شادی‌های کودکی، مصیبت‌ها و مصیبت‌پرستان. تلاش
می‌کنم به رنج ماه‌های بی‌خانمانی و سرگردانی و ترس از
دستگیری بیندیشم، تا این ترک اجباری خانه را بر خود هموار
کنم. زیر لب می‌گویم: ((این نیز بگذرد.))
چشمانم بر صفحه تلویزیون کانال ۱ دولتی آلمان خشک
می‌شود. پروانه اسکندری و همسرش... بدنشان با دشنه‌های
عده‌ای "ناشناس" پاره پاره گشته است.

راه بازگشت مدت‌هاست که بسته است. در خیالم به دورترها
برنمی‌گردم. نه! دوران کشتارها و دستگیری‌ها. اعدام مجید و
فرهادها و دستگیری عزیزانی که هرگز یادشان از ذهن
نخواهد رفت. پس سوار بر بال اندیشه‌هایم به کنفرانس زنان
در سیاتل می‌روم. سال ۱۹۹۶ است. پروانه اسکندری نیز - چون
من - سخنران این کنفرانس است. او از پله‌های سالن
غذاخوری پایین می‌آید و من با هندوانه‌ای در دست دوان
دوان از پله‌ها بالا می‌روم. سر راهم را می‌گیرد. ساعتی قبل
در سالن کنفرانس، اختلافاتمان را آشکارا به بحث گذارده‌ایم
و از برخورد اندیشه‌ها نهراسیده‌ایم. می‌گوید: ((ازت خوشم
می‌یاد، می‌تونم ببوسمت.)) و من با طنز یک طرف صورتم را
نشان می‌دهم و می‌گویم: ((اینطرف زیاد بوسیده شده، طرف
دیگر را ببوسید!)) و با لذت کودکانه‌ای صورتم را در اختیارش
می‌گذارم. گوینده اخبار تلویزیون دارد اخبار بازار بورس را
می‌دهد و من نمی‌توانم جلوی اشک‌هایم را بگیرم. می‌دانم
که آن‌هایی که با "قلب پاک"، "او" را در ماه دیده بودند،
چگونه از آغاز مشغول دریدن قلب‌های زنان و مردانی هستند
که نمی‌خواهند آن گونه "ببینند" که آن‌ها می‌خواهند.
تظاهرات ۱۸ تیر ۱۳۷۸، منقلب می‌کند. دوره جدیدی در
مقاومت مردم در برابر رژیم آغاز شده است. تصاویر ارسالی از
ایران نشان از آن دارد که نسل دیگری پا به میدان نهاده که
نه "ما" را می‌شناسد و نه می‌داند که ما را چگونه به نابودی
کشاندند و نه می‌داند که خطای ما کجا بود؟
فکر کردم، چرا اینقدر کم از خود و سرنوشتان گفته‌ایم و
نوشته‌ایم؟ چرا این نسل بایستی بسیاری چیزها را دوباره
تجربه کند؟ تجربیاتی تلخ به بهایی گراف!

چرا برای آن‌ها نگفته‌ایم که ما خود چگونه صف‌هایمان را
شکستیم؟ چرا نگفتیم که از میان ما هم بسیاری یقین داشتند
که "آقا" هر چند مذهبی و مسلمان و سنتی است، اما طرفدار

صمیمانه با حاضرین ارسال نمود. این پیام توسط گرداننده مراسم قرائت گردید. سپس سعید یوسف به بررسی ویژه گی هایی از شعر سعیدسلطانپور پرداخت و پرویزنوبدی گوشه هایی از خاطرات سیاسی مشترک با سعید سلطانپور را بازگو نمود .

در پایان نمایش < زندگی آه زندگی > اثر مشترک منوچهرادین وشهزاد نیک بین اجرا شد ومورد استقبال قرار گرفت .

در این مراسم گزیده ی آثار واسناد آرشیو منجمله پوستره های < کمیته ی از زندان قابعید > در معرض دید همگان قرارداد شد وبورشوری درباره ی وظایف واهداف آرشیو بهمراه لیستی از آثارگردآوری شده و عکسی از سعیدسلطانپوردر اختیار حاضرین قرار گرفت .

بقیه از صفحه ۵

گزارشی از ملاقات با نماینده...

در این دیدار که به منظور جلب حمایت اتحادیه سراسری کارگران سوئد از مبارزات طبقه کارگر ایران درخواست شده بود، طرفین در فضائی دوستانه حول مسائل ایران به بحث و تبادل نظر پرداختند. ابتداء خانم "کیت" در پاسخ به این پرسش که آیا اوضاع ایران را زیر نظر دارید، پاسخ داد: بله و در آخرین جلسه اتحادیه های آزاد بین المللی که هفته گذشته در بروکسل برگزار شد. بطور مشروحی در رابطه با وضعیت معیشتی و مبارزاتی کارگران ایران بحث و تبادل نظر کرده ایم.

بدنبال اعضای هیئت گزارشی از رویدادهای ایران، مبارزات طبقه کارگر و مطالباتش، اعتراضات چند ماه اخیر کارگران بهشهر، و همچنین خیزش های دانشجویان و مردم در چند هفته گذشته را به اطلاع ایشان رساندند. اسنادی از اعتراضات کارگران طی سال گذشته شمسی و گزارشات دیگری از وضعیت معیشتی و مبارزاتی کارگران و فعالیتهای نیروهای نشست در حمایت از طبقه کارگر بطور مکتوب در اختیار ایشان قرار گرفت.

سپس اعضای هیئت انتظارات خود از اتحادیه سراسری کارگران سوئد در حمایت از کارگران ایران و محکومیت جمهوری اسلامی را با ایشان در میان گذاشتند.

خانم "کیت" ضمن ابراز تاسف از وضعیت کنونی گفت که: در پاسخ به درخواست شما مبنی بر حمایت ال - او از مبارزات کارگران ایران، اتحادیه سراسری کارگران سوئد بزودی بصورت علنی عکس العمل نشان خواهد داد و شما را در جریان خواهیم گذاشت. در پایان این دیدار که در فضائی بسیار دوستانه برگزار شد، ایشان اظهار علاقه کرد که دیدارهای دیگری داشته باشیم و آنها را در

داشته اند و با اموال غارت کرده از ملت، ۲۵ سال را هم خارج از حکومت، با کمال فراغت و آسایش به "قدردانی" از "ملت بزرگ" ایران گذرانده اند. و تمام این سال ها را با این امید سرکرده اند که این "ملت" حافظه تاریخی خود را از دست داده باشد!

اتحادیه اروپا و دولت آمریکا هم به یکباره "عاقل" شده اند و "حساس" به حقوق بشر در ایران! آن ها پس از ۲۵ سال انعقاد قراردادهای مخفی و علنی و تلاش در جهت ثبات و حفظ نظام جمهوری اسلامی، صحبت از دمکراسی و آزادی می کنند. و قول می دهند لابد بر ما همان کنند که با مردم عراق و افغانستان کردند و یا دولت های دست نشانده شان در عربستان و پاکستان و... با مردم می کنند!!

باور و ناباوری ما نسبت به روند رویدادها و مجریان و طراحان آن، سرنوشت تاریخ فردایمان را رقم خواهد زد. استقلال این جنبش و مقابله اش با کلیت نظام، تشکلیاتی مخفی و مستقل در کمیته های رزمنده (در محلات، محیط های کار، دانشگاه ها و...) تعیین دقیق شعارها و مطالبات قطعاً میزان ضربه پذیری شما و انحراف این جنبش را کاهش خواهد داد.

"مادامی که یاد نگیریم در پس هر واژه ای منافع طبقات معینی را جستجو کنیم، در سیاست همواره قربانی فریب و نیرنگ خواهیم بود."

مباد آن روز و رزم تان پایدار!

شادی امین

مراسم یادمان سعید سلطانپور در برلین برگزار شد

روز ۳۱ خرداد ۱۳۸۲، مصادف با بیست و دومین سالگرد اعدام سعید سلطانپور، مراسمی از سوی آرشیوسعید سلطانپور، در Alte Mensa دانشگاه صنعتی برلین برگزار گردید. (سعید سلطانپور ۲۵ سال پیش در همین سالن سخنرانی کرد) طبق برنامه، سخنرانان ناصررحمانی نژاد، سعید یوسف و پرویزنوبدی بودند.

مراسم با پخش شعر < با کشورم چه رفته است > وبا صدایی سعیدسلطانپورگشایش یافت و دو تن ازطرف آرشیو بترتیب فرازهایی از زندگی و نکاتی در معرفی آرشیوسعیدسلطانپور را به اطلاع حضار رساندند. ناصررحمانی نژاد بعلت عدم دریافت ویزا، در مراسم شرکت نکرد و پیامی کتبی در ابراهمبستگی

بقیه از صفحه قبل

به آرمان انقلابی خود پشت نکرد. آخرین مناظره او با عاشق حسن در تبریز یکی از نمونه های پایداری او به عقایدش و نقد و شماتت او از کسانست که زمانی به مردم پشت کرده و از حاکمیت ارتجاع تحت عناوین مختلف حمایت کردند.

عاشق عبدالعلی در قلب نه تنها مردم آذربایجان بلکه در قلب همه آزادیخواهان سراسر ایران زنده است و یاد و خاطره این عاشق انقلابی هرگز فراموش نخواهد شد .

ما درگذشت عاشق عبدالعلی را به همه رفقای فدایی ، مردم زحمتکش آذربایجان و سراسر ایران و نیز به بازماندگان او تسلیت میگوئیم . یادش گرامی باد!

سازمان اتحاد فداییان کمونیست مرداد ماه ۱۳۸۲

جریان رویدادهای مربوط به ایران قرار بدهیم و در این باره تبادل نظر کنیم. هئیت نیز از این اظهار تمایل استقبال کرد و آمادگی خود را برای دیدارهای بیشتر اعلام داشت

هئیت اعزامی از جانب هئیت هماهنگی نیروهای چپ و کمونیست

- استکهلم

پیام تسلیت بمناسبت درگذشت هنرمندانقلابی آذربایجان،

عاشق عبدالعلی نوری !

با کمال تأسف خبردار شدیم که عاشق عبدالعلی، یکی از عاشق های انقلابی

آذربایجان درگذشته است .

عاشق عبدالعلی از میان توده های زحمتکش مردم برخاسته بود . واز وقتیکه سازش را بر سینه نهاد تا آخرین دم همواره پیام آور شور عشق و آزادی و مبارزه بود. و کمتر کسی است که دل درگرو آزادی داشته باشد و عاشق عبدالعلی را نشناسد . عاشق عبدالعلی جزو اولین هنرمندانی بود که در دوران ستم شاهی با ساز و آوازه های حماسی خود در میان مردم کوچه و بازار و دانشجویان دانشگاه ها و لوله انداخت، کارگران و زحمتکشان و بیوزره دانشجویان و جوانان را با عوامل سرکوب و سیه روزی خود آشنا نمود. و با سرایش حماسه های خصیت های انقلابی، آنها را به شور و شوق آورده و به مبارزه دعوت میکرد . ترانه های حماسی عاشق عبدالعلی در باره صمد بهرنگی ، اشعار علی رضا نابدل ، ترانه های کور اوغلی و ده ها ترانه سرود دیگری بی شک یکی از عوامل مهم و تهییج کننده مردم تبریز در قیام ۳۶ بهمن ۵۶ تبریز بمثابه سرآمد قیام سراسری بهمن ۵۷ محسوب میشود . عاشق عبدالعلی قبل از قیام هوادار سازمان بود و بعد از انشعاب بزرگ اقلیت و اکثریت در مقابل اکثریت قرار گرفت و از مواضع اقلیت دفاع کرد. عاشق عبدالعلی با تفاق رفقا سعید سلطانیپور و ابولفضل قزل ایاق، یکی از

شاهکارهای سعید سلطانیپور، بایاتیهای معروف آذربایجان، را اجرا کرد. که از یادگارهای بجای ماندنی آن سه محسوب میشود. در شب عروسی رفیق سلطانیپور، عاشق عبدالعلی هم شرکت داشت. و علیرغم حضور و تهدیدات پاسداران جهل و جنایت که برای دستگیری سعید آمده بودند با نواختن یکی از حماسی ترین آهنگهای خود در فضای ترس و واهمه، چنان شور و شوقی در حاضرین ایجاد کرد که همه را به لهله و پایکوبی واداشت. بعد از اعدام رفیق سلطانیپور، عاشق عبدالعلی بار ها مورد آزار و اذیت و بازخواست ماموران امنیتی قرار گرفت . از حق خواندن آواز و نواختن ساز محروم شد. با وجود وضعیت بد مالی و فشارهای روحی ، اما هیچگاه

نشریه جهان کمونیستی هر پانزده روز یکبار زیر نظر هیات سیاسی و با مسئولیت رفقای نامبرده در زیر منتشر میشود.

تحریریه:
نظام
ک - سلطانی
مصطفی حبیب وند
بهرام
مسول اجرائی نشریه بهرام

نشانی های تماس با اتحاد فداییان کمونیست
www.fedayi.org
شورای مرکزی
centralconcil@fedayi.org
هیات سیاسی
politburo@fedayi.org
نشریه جهان کمونیستی
jahan@fedayi.org
کمیته کردستان
kurdistan@fedayi.org
امور پناهندگی
panahjo@fedayi.org
فاکس اتحاد فداییان کمونیست
+ (۴۶) ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم